

# فارم هال

پروژه اتمی آلمان در جنگ جهانی دوم

(نمایشنامه)

دیوید کسیدی

ترجمه

شاپور اعتماد



نشرکردن

## یادداشت دبیر مجموعه

نوشتن نمایشنامه در ارتباط با علم طی جنگ جهانی دوم دچار تحول شد، تحولی که عملاً به پدید آمدن ژانری جدید در نمایشنامه‌نویسی انجامید: نمایشنامه‌های علمی. با آنکه نگارش گفت‌وگوهایی درباره علم از آغاز پیدایش علم جدید باب بود، رواج و تثبیت پدیده نمایشنامه‌های علمی به برشت و گالیله‌های او بازمی‌گردد: گالیله قبل از جنگ و گالیله بعد از جنگ.

گستره شمول این مجموعه بسیار محدود است. این مجموعه از نظر زمانی خود را محدود می‌کند به نمایشنامه‌های علمی بعد از جنگ جهانی دوم. کار در این محدوده زمانی در دو مرحله دنبال خواهد شد. نخست، مطالعه و بررسی اجماع جهانی درباره درخشان‌ترین نمایشنامه‌های علمی و انتخاب حدود ده نمایشنامه علمی. پس از این، کار ترجمه نمایشنامه‌هایی که پیش‌تر به فارسی ترجمه نشده‌اند آغاز می‌شود. از آنجا که گمان می‌رود این نمایشنامه‌ها عمدتاً مربوط به یک رشته علمی (فیزیک) باشند و در نتیجه مجموعه «علم بر صحنه» فاقد تنوع موضوعی شود، گام دوم عبارت است از جست‌وجوی آن دسته از نمایشنامه‌های علمی که اگرچه ممکن

است به اندازه دستۀ نخست شناخته شده و کلاسیک نباشند، اما این حسن را دارند که به رشته های علمی متنوع تر و ماجراهای علمی متأخرتر می پردازند. چارلز پرس اسنو نیم قرن پیش، شکاف میان دانشمندان اهل علم و روشنفکران اهل هنر را شکاف میان دو فرهنگ خواند. در دو سه دهه گذشته شاهد بوده ایم چگونه تئاتر برخلاف فیلم و تلویزیون توانسته است بر این شکاف غلبه کند و راهگشا باشد. منشأ الهام انتخاب های این مجموعه همین بصیرت خواهد بود - یعنی تلاش برای رسیدن به پیوند علم و تئاتر. بدیهی است اجرای این طرح در گرو مشارکت افراد علاقه مند از رشته های متفاوت است.

شاپور اعتماد

برای شهاب اعتماد  
مترجم

## فهرست

۱	پیش‌گفتار مترجم
۷	تصاویر
۱۱	فارم‌ها
۱۰۱	پیوست: مسئولیت دانشمند

## پیش‌گفتار مترجم

فارم هال خانه‌ای قدیمی است که در آن یک پرفسور دانشگاه کمبریج به اتفاق همسرش زندگی می‌کند. در نیمه قرن هجدهم به‌عنوان عمارتی اربابی ساخته شد و در جنگ جهانی دوم به‌تصرف دستگاه ضد اطلاعات بریتانیا (MI6) درآمد. ام‌آی‌سیکس از آن به‌عنوان خانه امن برای بازجویی اسرای جنگی استفاده می‌کرد. در اوایل تابستان ۱۹۴۵ تیمی اطلاعاتی در آنجا مستقر شد که اسم رمز مأموریتش «اپسیلون» بود. «عملیات اپسیلون» اساساً متشکل بود از دو کار: ضبط و ترجمه. از این‌رو، در تمام اتاق‌ها و از جمله اتاق نشیمن میکروفون نصب شد. مأموریت کاملاً سری بود و مربوط می‌شد به برنامه هسته‌ای آلمان در جنگ جهانی دوم.

اواخر جنگ جهانی دوم، گُدمیتِ فیزیک‌دان از سوی رئیس پروژه منهن مأمور شد در پناه پیشروی متفقین دانشمندان هسته‌ای آلمان را بازداشت و بازجویی و دستگاه‌ها و وسایل

آزمایشگاهی‌شان را تصرف کند. در این مأموریت که آلسوس<sup>۱</sup> (لفظ یونانی معادل گرووز<sup>۲</sup> نام رئیس پروژه منهن) خوانده می‌شد به سرعت به این نتیجه رسیدند که آلمان بمب هسته‌ای ندارد. گرووز در انتظار شواهد بیشتر ماند، ولی به کار پروژه منهن سرعت بخشید. از اوایل سال ۱۹۴۵ معلوم بود که امریکایی‌ها نمی‌خواهند دست روس‌ها و فرانسوی‌ها به دانشمندان آلمانی و پروژه هسته‌ای‌شان برسد. دانشمندان همه بازداشت شدند و به اردوگاه اسرای جنگی بلژیک انتقال یافتند. گدسمیت ده نفر را از میان آنان انتخاب کرد - از جمله ورنر هایزنبرگ - تا در فرصت مغتنم به فارم هال گسیل شوند. با آماده شدن فارم هال، او همه آنها را به دست سرگرد ریتنر سپرد تا عملیات اِپسیلون را آغاز کند: اسکان دانشمندان هسته‌ای آلمان در فارم هال و ضبط و ترجمه و مخابره مخفیانه حرف‌های آنان.

این دانشمندان سوم ژوئیه ۱۹۴۵ به فرودگاه نظامی تمپسفورد<sup>۳</sup> واقع در کمبریج رسیدند - دو هفته پیش از آزمایش بمب اتم و حدود یک ماه پیش از استفاده از آن در ژاپن - و تا سوم ژانویه ۱۹۴۶ در فارم هال در حصر ماندند. البته با توجه به رفاه و امکانات استثنایی که برای آنان تدارک دیده شده بود همواره از آنان به‌عنوان «مهمان» یاد می‌شد. به گفت‌وگوهای آنها نخستین بار در کتاب گدسمیت، آلسوس (۱۹۴۷) بدون ذکر مأخذ اشاره شد، ولی در اثر ژرنال گرووز، اکنون می‌توان گفت (۱۹۶۲)، به مضامین

---

1. Alsos  
2. Groves  
3. Tempsford

این گفت‌وگوها به‌طور رسمی اشاره شده است. ولی نسخه اصل گفت‌وگوها با وجود درخواست متقاضیان متعدد هرگز منتشر نشد تا بالآخره با فشار مورخان و دانشمندان بریتانیا مجوز لازم برای انتشار دست‌نوشته‌های فارم هال<sup>۱</sup> نیم قرن بعد در سال ۱۹۹۳ با عنوان عملیات اپسیلون صادر شد.

یک سال پیش از انتشار عملیات اپسیلون، نویسنده نمایشنامه فارم هال (۲۰۱۵)، دیوید کسیدی، در مقام مورخ علم زندگی‌نامه ورنر هایزنبرگ را با عنوان عدم قطعیت<sup>۲</sup> منتشر کرده بود. مایکل فرین با الهام از این اثر پای تاریخ را به تئاتر باز می‌کند تا از آن نتیجه‌ای فلسفی بگیرد. در نمایشنامه او، کپنهاگ (۱۹۹۸)<sup>۳</sup>، هایزنبرگ در سال ۱۹۴۱ خطر می‌کند و از کشور اشغالگر خود، آلمان، به دیدن استادش بور در کشور اشغال‌شده دانمارک می‌رود تا از او بپرسد آیا استفاده علمی از شکافت هسته‌ای از نظر اخلاقی مصلحت است یا نه. آیا فیزیک‌دان حق دارد وارد این عرصه شود؟ این پرسش در کپنهاگ به‌صورت ادواری تکرار شده است تا با بررسی پاسخ‌های ممکن به آن، صورت مسئله روشن و واضح شود. در حالی که حاصل گذر از یک عدم قطعیت به عدم قطعیت دیگر است، در نهایت فرین جامعیت اصل حاکم بر معرفت‌شناسی نیات<sup>۴</sup> را نتیجه می‌گیرد: اینکه عدم قطعیت بر فکر و انگیزه آدمی هم حاکم است.

از اجرای کپنهاگ در لندن (۱۹۹۸) به‌قدری استقبال شد که

1. *Farm Hall Transcripts*

2. *Uncertainty*

۳. ترجمه حمید احیاء، نشر نیلا، ۱۳۸۶.

4. *epistemology of intention*



مایکل فرین برای اجرای آن در نیویورک (۲۰۰۰) بعدالتحریری مفصل نوشت تا به نکات منتقدان خود پاسخ گفته باشد. اما اجرای نیویورک سبب شد سلسله‌اسنادی جدید منتشر شود و او خود را ملزم به نگارش بعدالبعدهالتحریری ببیند تا مسائل تاریخی، نمایشی و فلسفی را از یکدیگر تمیز دهد. از جمله مسائلی که به آن پرداخت ماجرای فارم هال است که از نظر او باید یک نمایش تمام و کمال جداگانه به آن اختصاص داده شود.

دیوید کسیدی که پیش‌تر به‌عنوان مورخ علم از چشم‌انداز تاریخی به کینهاگ پرداخته است در اینجا از این چالش استقبال کرده و نمایشنامه‌ای نوشته است که در آن دو گفتمان تاریخ و نمایش در یکدیگر ادغام شده‌اند. نمی‌دانیم اگر دست‌نوشته‌های فارم هال در دسترس برشت، کیهپارت و دورنمات قرار داشت نمایشنامه آنان چقدر متفاوت بود. اما آنچه مسلم است نسبت میان علم و نمایش و تاریخ و فلسفه به‌گونه‌ای تغییر یافته است که پرسش‌های یکی در حریم دیگری پاسخ داده می‌شود و شاهد رونق چشمگیر نمایشنامه‌های علمی هستیم.

انقلاب علمی و انقلاب ادبی تقریباً هم‌زمان در قرن‌های شانزده و هفده به وقوع پیوستند. تبعات هر دو انقلاب پدیده بود و در یکدیگر نفوذ کردند. وام‌های یکی از دیگری توأم بود با نظارت یکی بر دیگری. نمایش علمی از جمله دستاوردهای این دو تحول تاریخی بود. اما جنگ جهانی دوم نقطه عطف سیر تحول آنها بود. گالیله پس از جنگ برشت دیگر همان گالیله پیش از جنگ برشت نبود. در یکی سخن از انحطاط است و در دیگری سخن از انهدام: پاپ و بمب.

بمب اتم پیوند میان قدرت و معرفت را زیر و رو کرد و موضوع مسئولیت اخلاقی را در کانون توجه قرار داد - به طوری که امروز کمتر رشته علمی‌ای است که با نمایش علمی گره نخورده باشد: ریاضیات، فیزیک، شیمی، بیولوژی، علوم اعصاب، علوم شناختی، روان‌شناسی، پزشکی بالینی، هوش مصنوعی و غیره. رشد چشمگیر نمایشنامه‌های علمی طی دو سه دهه گذشته معطوف به همه این رشته‌ها بوده است. بی‌اعتنایی جریان‌های هنری متأثر کشور ما به این ژانر شاید به دلیل سلطه شاهکارهای برشت باشد. اما حرف آخر برشت اول حرف آخر است. از این رو، ترجمه و در دسترس گذاشتن این نمایش‌ها می‌تواند ما را دست‌کم با متون اجراهای معاصر در تماس قرار دهد و چه‌بسا با الهام از آنها بتوانیم در مورد مسائل و مصائب خود از فاصله میان صفحه و صحنه بکاهیم.

\*\*\*

ترجمه این نمایشنامه در ابتدا به درخواست برادرم شهاب اعتماد شروع شد - متن اصلی را هم او در اختیارم گذاشت. ویراستاری متن طبق معمول به دوش حسین معصومی همدانی افتاد. ضمن ویراستاری متن به یاد ترجمه کتاب خاطرات هایزنبرگ افتادیم و قرار بر این شد که به ناشر پیشنهاد کنیم تقریر هایزنبرگ را از ماجرای فارم‌ها که در این کتاب آمده است ضمیمه نمایشنامه کنیم. از حسین شیخ‌رضایی و همکارانش در نشر کرگدن بابت زحماتشان بسیار سپاسگزارم.

شاپور اعتماد